

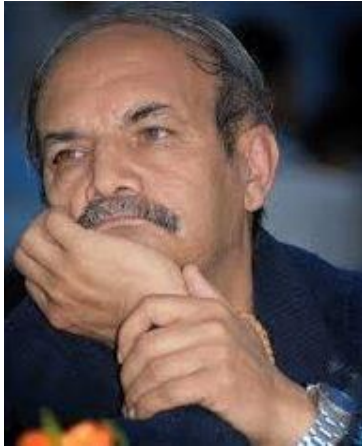
مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۱۹/۰۱/۳۱

پرتو نادری

## سفر بی برگشت قسیم اخگر پنج ساله شد!



قسیم اخگر

قسیم اخگر جایی در رابطه به پیدایی خود در این جهان کبود می گوید: «همان سالی که در آخرین روزهای سیداسماعیل بلخی و دوستانش را به جرم کودتا گرفتند. هر وقتی از تولد من یاد می شد پدرم این تقارن را بیاد می آورد، از او فهمیدم که انقلاب چین هم در همان حول و حوش به پیروزی رسیده بود. شبی که بدنیا می آمدم توفان و سرما بیداد می کرد و درها را به هم می کوبید به همین قرینه نامم را توغل علی گذاشتند که چون نامانوس و غیر متعارف بود، جا نیافتاد.»

اخگر درلیسه امانی که در آن روزگار آن را لیسه نجات می خواندند؛ درس خوانده است؛ اما پیش از آن که لیسه را تمام کند او را روانه زندان کردند. این امر سبب شد که دیگر نتواند در صنفی به صدای آموزگاری گوش فرا دهد. روزگار ناجوانمردانه بر او سیلی می زد. پدر در بستر بیماری افتاد و قسیم جوان ناگزیر از آن بود تا گردونه سنگینی زندهگی خانواده گی را به تنهایی در جاده ناهموار روزگار به پیش براند.

با این همه او درپیشگاه همه آن ها بی که به مفهوم واقعی کلمه استاد بود زانوی شاگردی زد و به تلمذ نشست. شعر، فلسفه، عرفان، سیاست، تاریخ، فقه، تفسیر، جامعه شناسی، ادبیات... خواند؛ شاید دلیل این گونه آموزش پراکنده در آن است که در آن روزگار و حتا در همین سالهای که ما هوای سربدی دموکراسی را تنفس می کنیم هنوزگرایش بر تر همان دانش دایرة المعارفی است.

او خود جایی فروتنانه گفته است که: «اگر می بینی که این چنین بی هنرم دلیلش نیز همین است که خواستم همه چیز را فرابگیرم؛ اما هیچ چیزی فرا نگرتم، به هدف همه کاره شدن هیچ کاره شدم» با این حال می توان گفت که هنر هاست در این بی هنری. روزگاری آن فرزانه بزرگوار شهید بلخی گفته بود:

تا بدان جا رسید دانش من  
که بدانم همی که نادانم

قسیم اخگر از کودتای ثور به تلخی یاد می کند و می گوید: «کودتا شد و من نیز مانند خیلی های دیگر مورد پیگرد قرار گرفتم و مجاهد شدم که دین و وطن در خطر بود و نمی توانستم آرام بنشینم که اگر می نشستم، رفقا نمی گذاشتند، آن ها هرکسی را که با آن ها نبود دشمن می گرفتند. بلی این سخن در آن روزگار حقیقت انگار ناپذیر پنداشته می شود و همه سیاست های آن حزب و دولت بر بنیاد آن استوار بود که گفته می شد: هرکس که با ما نیست، با دشمن ماست. یک چنین سیاستی نه تنها میدان زندهگی را برروشنفکران؛ بلکه برای مردم نیز بسیار تنگ ساخته بود. او در ادامه می گوید: «میل سرکوب شده ام به خواندن و نوشتن و کتاب و عشقم به آزادی و آشنایی با شریعتی و از طریق او سارترو قانون و امه سه زر مرا به دنیای دیگری کشانید. آشنایی مختصر با روزا لوکزامبورگ برایم فهماند که مارکسیزم فقط در لنینیسم و استالینیسم که روایتی عامیانه و سیاسی از آن است خلاصه نمی شود. پیش از شریعتی یاد گرفته بودیم که می توان اسلام را خارج از حوزه تعبیرهای ملایی آن فهمید. بقیه عمرم، فقط کوشش درجهت فهمیدن بود و یاد داشت کردن از آن چه فهمیده بودم.»

مسئلاً پیشتر از شریعتی باید اخگر از اقبال خوانده باشد که:

د پانو شمیره: له ۱ تر ۲

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلیکنی دلیکنیزی بنی پازوالی دلیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرو مخکی په خیر و لولی

زما بر صوفي و ملا سلامي  
که پیغام خدا گفتند ما را  
و لي تاويل شان در حيرت افگند  
خدا و جبرئيل و مصطفي را

اما ياد داشت هاي روزانه اخگر چه شد و اين قطره هاي پراکنده به چه درياچه بي پيوست! او در اين پيوند مي  
گويد: « ياد داشت هاييم يک بار توسط رفقاي دموکراتيک خلق، دفعه ديگر توسط برادران پاسدار ايراني، بار سوم توسط  
مليشيا هاي برادر حکمتيار به يغما رفت و آن چه ماند و به چاپ رسيدند عبارت اند از:

- ❖ مقدمه بي بر تحولات سياسي دوسده اخير افغانستان.
- ❖ تنديس خشم؛ زندگينامه خالق هزاره،
- ❖ ستاره هاي بي دنباله؛ تا ريخچه جنبش روشنفكري افغانستان،
- ❖ روش تحليل سياسي
- ❖ موقعيت زن در نگرش توحيددي
- ❖ رساله در مورد متدولوژي شناخت قرآن.
- ❖ مباني اديان و حقوق بشر
- ❖ مقالات متعدد در نثريه هاي گوناگون.

در اين ميان دو مجله يکي بنام فانوس و ديگري فجر آزادي منتشر کرده ام و با رسانه هاي متعدد مصاحبه انجام داده  
ام. او آن گونه که گفته است گاهي هم مرتکب سرودن شعر نيز شده است.  
به سال 1386 مجمع جامعه مدني افغانستان به مناسب هشتاد و هشتمين سالگرد استقلال کشور برای هفت تن از  
شاعران و نويسندهگان کشورجايزه آزادي داد که قسيم اخگر يکي از اين نويسندهگان بود.  
غير از اين اخگر در ده ها کنفرانس علمي اشتراک کرده و به ايراد سخن راني پرداخته است. افزون بر اين او در  
پيوند به موضوعات مهم سياسي، اجتماعي و فرهنگي در مطبوعات کشور به روشنگري پرداخته است. اميد روزي  
مجموعه سخنراني او گرد آوري شده و به گونه چاپي در اختيار علاقمندان ديدهگان هاي او گذاشته شود.

پايان